امیرحسین مقتدایی[1]

کتیبهٔ پارچه‌ای ترکیب‌بند محتشم در حسینیهٔ فرامهٔ شهر دماوند

چکیده

ترکیب‌بند محتشم کاشانی از مشهورترین اشعار در رثای امام حسین(ع) و یارانش است. محتشم از شاعران بزرگ دورهٔ صفویه است. دورهٔ حیات شاعر مصادف با رسمی شدن مذهب شیعه در ایران بود و ساخت بسیاری از تکایای تاریخی ایران مربوط به این دوره است. به همین جهت است که، به‌فاصلهٔ کوتاهی پس از مرگ شاعر، شاهد نخستین کتیبه‌نگاری‌ها بر اساس این ترکیب‌بند در حسینیه‌ها و اماکن مذهبی هستیم، سنتی که تا به امروز پا برجاست و بسیاری از بناها به ابیاتی از این شعر مزین‌اند. در حسینیهٔ محلهٔ فرامهٔ شهر دماوند، کتیبه‌ای به‌خط نستعلیق، با اشعاری از محتشم، در صحن اصلی نصب شده است. کتیبهٔ مذکور که تاریخ نگارش آن مربوط به نیمهٔ اول دورهٔ قاجاریه است روی پارچه‌ای نوشته شده که بیش از بیست متر طول دارد؛ سرتاسر پارچه قلمکاری شده و خوشنویس آن محمدهاشم گتمیری است. کاتب از سادات مرعشی دماوند و از نوادگان میر بزرگ (گتمیر) است. نام استاد قلمکار محمدحسینی ذکر شده و نام واقف نیز در ابتدای کتیبه حاجی میرزا قربانعلی درج شده است. اهمیت این کتیبه از آن روست که از قدیمی‌ترین نمونه‌های خوشنویسی در دماوند و بر اساس شعر محتشم است.

کلیدواژه ها: ترکیب بند محتشم کاشانی، کتیبه پارچه ای، محمد حسینی قلمکار، حسینیه فرامه شهر دماوند، دوره قاجار

مقدمه

کتیبه‌نویسی و کتیبه‌نگاری در ایران پیوندی تنگاتنگ با مفاهیم مذهبی داشته است. از سده‌های آغازین اسلام، کتیبه‌هایی به‌خط کوفی و ثلث در مساجد به‌شیوه‌های گوناگون نوشته شده است. از دورهٔ تیموری به بعد و با اعتلای خط نستعلیق، این خط در کتیبه‌نگاری‌ها مورد استفاده قرار گرفت. پس از دورهٔ تیموری و با روی کار آمدن حکومت صفویه، استفاده از خط نستعلیق گسترش بیشتری پیدا کرد. گرچه هنوز کتیبه‌نگاری غالباً به‌خط ثلث انجام می‌شد، اما اشعار و نوشته‌هایی که به‌زبان پارسی بودند با خط نستعلیق نگاشته می‌شدند. این سنت در دورهٔ قاجار با گستردگی بیشتری ادامه یافت.[2] در این دوره، اغلب کتیبه‌ها را به‌خط نستعلیق نوشته‌اند. از آنجا که دورهٔ صفوی همراه با رسمی شدن مذهب شیعه در ایران بود، استفاده از کتیبه‌ها علاوه بر مساجد در تکیه‌ها نیز مرسوم شد. از قدیمی‌ترین نمونه‌های استفاده از کتیبهٔ نستعلیق در تکایا می‌توان به کتیبهٔ مشهور میرعماد در تکیهٔ میرفندرسکی تخت فولاد اصفهان اشاره کرد. در دورهٔ قاجار نیز در بسیاری از تکایا کتیبه‌هایی به‌خط نستعلیق نگاشه شد. از آنجا که فضای تکیه پیوسته با مفاهیم عاشورایی همراه است، بیشتر اشعاری با این مضامین در کتیبه‌ها به کار رفتند. از میان این اشعار، ترکیب‌بند مشهور محتشم کاشانی بارها در کتیبه‌نگاری‌ها استفاده شده است.

نوشتهٔ پیش رو به معرفی یکی از نمونه‌های تاریخی استفاده از ترکیب‌بند محتشم در کتیبه‌نویسی دورهٔ قاجار می‌پردازد. این کتیبه از قدیمی‌ترین نمونه‌های این ترکیب‌بند به‌نستعلیق است که به‌خط محمدهاشم الکتمیری الحسینی و به‌سال ۱۲۵۲ق در نکیهٔ محلهٔ فرامهٔ شهر دماوند نوشته شده است.

در این بررسی، ابتدا خوشنویسی روی پارچه به‌صورت اجمالی بررسی شده و سپس نخستین نمونه‌های کتیبه روی اشعار محتشم معرفی خواهد شد و در نهایت با بررسی پیشینهٔ خوشنویسی در شهر دماوند پیش از کتیبهٔ مذکور زمینه‌های خلق این اثر به‌طور مختصر بررسی خواهد شد.

نگاهی به زمینهٔ تاریخی خوشنویسی روی پارچه

کتیبه‌نویسی روی پارچه سابقه‌ای تاریخی دارد. پارچه‌های مشهور به طراز نمونه‌های کهن خوشنویسی روی پارچه‌اند. این پارچه‌ها به‌ویژه در دوران سلجوقی و ایلخانی در ایران رایج بودند؛ مضمون آنها بیشتر نام خلیفه و شعارهای خاص بود و اهدای آن به اشخاصْ بیانگر بخشیدن قدرتی ویژه و انتصابی خاص بوده است. پارچه‌های کتیبه‌دار با مضامینی چون آیات قرآن و ادعیه و اشعار بیشترین نمونه از پارچه‌های خوشنویسی‌شده‌اند. برخی از این لباس‌ها به «پیراهن نادعلی» یا «جامهٔ فتح»[۳] مشهور شده‌اند. یکی از مشهورترین این جامه‌ها متعلق به شاه‌عباس صفوی است که در بخش اسلامی موزهٔ ملی ایران نگهداری می‌شود. خوشنویسی این پیراهن مستقیماً روی پارچه اجرا شده است.[۴] خطوط به‌کاررفته بر این پیراهن کوفی، نسخ، ثلث و نستعلیق با قلم زر و لاجورد و شنگرف و زعفران است. همچنین، نمونه‌های تاریخی پارچهٔ

ت ۱ و ۲. کتیبهٔ پارچه‌ای مقبرهٔ ملااسماعیل و بزرگنمایی بخشی از آن. مأخذ: سلیمانی و شیشه‌بری.

ت ۳. بخشی از پردهٔ تعزیه‌خوانی مربوط به اوایل دورهٔ قاجار. مأخذ: موزهٔ آستان قدس رضوی.

خیمه‌ها و نخل‌های عزاداری نیز دارای کتیبه‌هایی به‌صورت دوخته‌شده، قلمکار یا کتابت مستقیم روی آنها بوده است. از نمونه‌های متعلق دورهٔ قاجار خوشنویسی روی پارچه می‌توان به کتیبهٔ پارچه‌ای با تکیه‌گاه کاغذی مسجد ملااسماعیل یزد[۵] (ت ۱ و۲) و دو زیارتنامه از دو امامزاده در بیدگل به‌قلم میرزا عبدالباقی طباطبایی و محمود مشیر اشاره کرد.[۶] همچنین، یکی از بزرگ‌ترین پرده‌های تعزیه‌خوانی مربوط به اوایل دورهٔ قاجار که در موزهٔ آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود دارای حاشیه‌ای خوشنویسی‌شده به‌خط نستعلیق از ترکیب‌بند محتشم کاشانی است (ت ۳).[۷]

پیشینهٔ کتیبه بر اساس ترکیب‌بند محتشم کاشانی

محتشم کاشانی (۹۰۵- ۹۹۶ق) از شاعران دورهٔ شاه طهماسب صفوی است. عمده شهرت وی به‌خاطر ترکیب‌بند مشهور وی در دوازده بند است بدین مطلع: «باز این چه شورش است که در خلق عالم است». سابقهٔ خوشنویسی اشعار محتشم به کتابت نخستین نسخه‌ها از دیوان این شاعر در اواخر حیات وی و چند سال پس از آن برمی‌گردد. ظاهراً پژوهش دقیقی دربارهٔ تاریخچهٔ کتیبه‌نگاری با اشعار محتشم انجام نشده است، اما به احتمال زیاد کهن‌ترین کتیبه از ترکیب‌بند محتشم مربوط به پنج سال پس از مرگ وی بر سردر حسنیهٔ نواب بیرجند است.[۸] در این کتیبه، بند ششم ترکیب‌بند (ترسم جزای قاتل او چون رقم زنند) به خطی به‌غیر از نستعلیق نگاشته شده است (ت ۴). دیگر نمونهٔ تاریخی کتیبه‌نگاری با این شعر که احتمالاً نخستین نمونه به‌خط نستعلیق نیز هست در مسجدجامع دربند در داغستان روسیه به‌تاریخ ۱۰۳۶ق است که به‌فرمان شاه‌عباس ساخته شده است.[۹] در محراب مسجد، علاوه بر کتیبه‌هایی به‌خط ثلث، ابیاتی از شعر محتشم به‌خط نستعلیق نیز جای گرفته است (ت ۶ و ۷). در دورهٔ قاجار نیز بسیاری از بناها از جمله مسجدمدرسهٔ سردار قزوین به‌تاریخ ۱۲۳۱ق، حسینیهٔ قوام شیراز در حدود ۱۲۷۰ق و تکیهٔ معاون الملک کرمانشاه در حدود ۱۳۲۰ق کتیبه‌ای بر اساس این شعر دارند. علاوه بر بناها، چنان‌که ذکر شد، پردهٔ تعزیه‌خوانی در ابعاد ۴/۲ در ۳۳/۷ متر (مربوط به اوایل دورهٔ قاجار و محفوظ در آستان قدس) نیز از نمونه‌های تاریخی کتیبه‌نویسی با شعر محتشم به‌شمار می‌رود. همچنین، نمونه‌های کاغذی با خط جلی در دورهٔ قاجار سابقه داشته که از جملهٔ آنها یک قطعه نستعلیق ممتاز با قلم کتیبه مربوط به قرن سیزدهم هجری است، که در موزهٔ ملک نگهداری می‌شود. ابعاد این قطعه ۳۲ سانتی‌متر در ۱۸ سانتی‌متر است که مصرع هشتم از بند نهم ترکیب‌بند بر آن نوشته شده است (ت ۱۹). کتیبهٔ پارچه‌ای با شعر محتشم نیز از دورهٔ مظفرالدین شاه موجود است که در آن بند پنجم ترکیب‌بند نوشته شده است. در این کتیبه، هر مصرع در یک ترنج و ما بین هر ترنج صفاتی از امام حسین(ع) ذکر شده است. در حاشیهٔ ترنج‌ها هم نقشی از گل‌های رنگی است (ت ۸).[۱۰]

خوشنویسی در دماوند

کتیبه‌های موجود در شهر دماوند مانند اکثر مناطق ایران مربوط به بناهای معماری و سنگ مزار است.

ت ۴. سردر حسینیهٔ نواب بیرجند. مأخذ: نگارنده.
ت ۵. قسمتی از کتیبهٔ سردر حسینیهٔ نواب بیرجند. مأخذ: نگارنده.

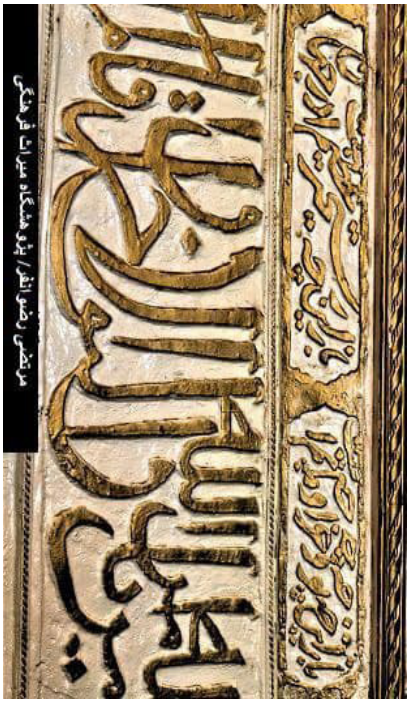

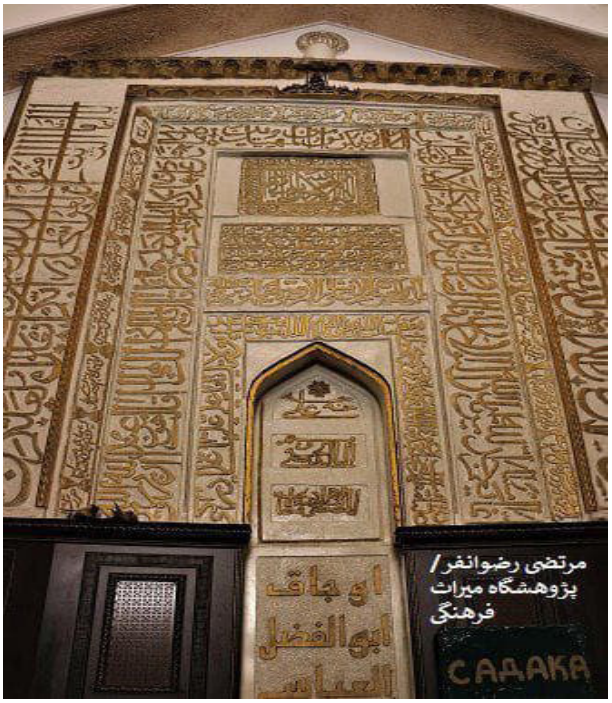

ت ۶. محراب مسجد شاه‌عباس دربند. مأخذ: مرتضی رضوانفر.

ت ۷. بخشی از محراب مسجد شاه‌عباس دربند. مأخذ: مرتضی رضوانفر، http//:asmaneh.com/feed5/e7e1d197bc41b202332fa19

ت ۸. بخش‌هایی از کتیبهٔ پارچه‌ای محتشم مربوط به دورهٔ مظفرالدین شاه. مأخذ: نگارنده.

تعدادی از سنگ‌مزارهای به‌جامانده از دورهٔ افشاریه و قاجار در محوطهٔ امامزاده عبدالله و عبیدالله این شهر دارای کتیبهٔ نستعلیق‌اند. همچنین، اگرچه کتیبهٔ پنجرهٔ مشبک چوبی امامزاده را نسخ دانسته‌اند،[۱۱] اما بیشتر به نمونه‌های نخستین نستعلیق شباهت دارد. تاریخ این اثر ۱۰۶۷ق است. کتیبه‌های سنگ‌مزار دیگری نیز در قبرستان شهر موجود است که خط آنها نستعلیق و نمایانگر رواج این خط در سطح شهر در دورهٔ قاجار است.

معرفی کتیبهٔ نستعلیق به‌خط محمدهاشم گتمیری

حسینیهٔ محلهٔ فرامهٔ دماوند، که بنای قدیمی آن تخریب گشته و ساختمانی نو برای آن ساخته‌اند، محل نگهداری کتیبه‌ای نستعلیق براساس ترکیب‌بند محتشم کاشانی است (ت ۲۷ و ۲۰). این کتیبه روی پارچه‌ای در طول حدود ۲۱ متر و عرضی نزدیک به نیم متر نوشته شده است. پارچه با توجه به الفبای سیریلیکِ مُهر کارخانهٔ سازنده در انتهای پارچه به احتمال زیاد از منسوجات واردشده از روسیه بوده است (ت ۱۰). کتیبه شامل ۴۰ بیت است که از آن میان بندهای ۱، بند ۴ (به‌استثنای بیت سوم)، بند ۷، بند ۸، بند ۹ (به‌استثنای بیت ترکیب) و بیت ۱۱ ترکیب‌بند انتخاب شده است. ابیات کتیبه به این ترتیب است:

۱. باز این چه شورش است که در خلق عالم است/ باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

۲. باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین/ بی نفخ صور خاسته[۱۲] تا عرش اعظم است

۳. این صبح تیره باز دمید از کجا کزو/ کار جهان و خلق جهان جمله در هم است

۴. گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب/ کاشوب در تمامی ذرات عالم است

۵. گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست/ این

رستخیز عام که نامش محرم است
۶. در بارگاه قدس که جای ملال نیست / سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است
۷. جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند / گویا عزای اشرف اولاد آدم است
۸. خورشید آسمان و زمین نور مشرقین / پروردهٔ کنار رسول خدا حسین
۹. برخوان غم چو عالمیان را صلا زدند / اول صلا به سلسلهٔ انبیا زدند
۱۰. نوبت به اولیا چو[۱۳] رسید آسمان طپید / زان ضربتی که بر سر شیر خدا زدند
۱۱. پس آتشی ز اخگر الماس ریزه‌ها[۱۴] / افروختند و در[۱۵] حسن مجتبی زدند
۱۲. وانگه سرادقی که ملک محرمش نبود / کندند از مدینه [و] در کربلا زدند
۱۳. وز تیشهٔ ستیزه در آن دشت کوفیان / بس نخل‌ها ز گلشن آل عبا زدند
۱۴. پس ضربتی کزان جگر مصطفی درید / بر حلق تشنهٔ خلف مرتضی زدند
۱۵. اهل حرم دریده گریبان گشوده[۱۶] مو / فریاد بر در حرم کبریا زدند
۱۶. روح‌الامین نهاده به زانو سر حجاب / تاریک شد ز دیدن آن چشم آفتاب
۱۷. روزی که شد به نیزه سر آن بزرگوار / خورشید سر برهنه برآمد ز کوهسار
۱۸. موجی به جنبش آمد و برخاست[۱۷] کوه‌کوه / ابری به بارش آمد و بگریست زارزار
۱۹. گفتی تمام زلزله شد خاک مطمئن / گفتی فتاد از حرکت چرخ بی‌قرار[۱۸]
۲۰. عرش آن زمان[۱۹] به لرزه درآمد که چرخ پیر / افتاد در گمان که قیامت شد آشکار
۲۱. آن خیمه‌ای که گیسوی حورش طناب بود / شد سرنگون ز باد مخالف حباب‌وار
۲۲. جمعی که پاس محملشان داشت جبرئیل / گشتند بی‌عماری و محمل شترسوار
۲۳. با آنکه سر زد آن[۲۰] عمل از امت نبی / روح‌الامین ز روح[۲۱] نبی گشت شرمسار
۲۴. وانگه ز کوفه خیل الم[۲۲] رو به شام کرد / نوعی که عقل گفت قیامت قیام کرد
۲۵. بر حربگاه چون ره آن کاروان فتاد / شور و نشور و واهمه را در گمان فتاد
۲۶. هرجا که بود آهوئی از دشت پا کشید / هرجا که بود طایری از آشیان فتاد
۲۷. هم بانگ نوحه غلغله در شش جهت فکند / هم گریه بر ملایک هفت آسمان فتاد
۲۸. شد وحشتی که شور قیامت ز یاد[۲۳] رفت / چون چشم اهل بیت بر آن کشتگان فتاد
۲۹. هرچند بر تن شهدا چشم کار کرد / بر زخمهای کاری تیغ و سنان فتاد
۳۰. اگاه چشم دختر زهرا در آن میان / بر پیکر شریف امام زمان فتاد
۳۱. بی‌اختیار نعرهٔ هذا حسین از او / سر زد چنان‌که آتش از او در جهان فتاد
۳۲. پس با زبان پرگله آن بضعةالرسول / رو در مدینه کرد که یا بضعةالرسول
۳۳. این کشتهٔ فتاده به هامون حسین توست / وین صید دست‌وپازده در خون حسین توست
۳۴. این نخل تر کز آتش جان‌سوز تشنگی / دود از زمین رسانده به گردون حسین توست
۳۵. این ماهی فتاده به دریای خون که هست / زخم از ستاره بر تنش افزون حسین توست
۳۶. این غرقهٔ محیط شهادت که روی دشت / از موج خون او شده گلگون حسین توست
۳۷. این قالب تپان که چنین مانده بر زمین / شاه شهید ناشده‌مدفون حسین توست
۳۸. این خشک‌لب فتادهٔ ممنوع از لب فرات / کز خون او زمین شده جیحون حسین توست
۳۹. این شاه کم‌سپاه که با خیل اشک و آه / خرگاه زین جهان زده بیرون حسین توست
۴۰. تا چرخ سفله بود خطایی چنین نکرد / بر هیچ آفریده جفایی چنین نکرد

ت ۹. تمام‌نمای کتیبهٔ محتشم کاشانی به‌خط محمدهاشم گتمیری. مأخذ: نگارنده.

ت ۱۰. مهر کارخانهٔ نساجی پارچهٔ کتیبه. مأخذ: نگارنده.

مشخصات ظاهری

در ابتدای کتیبه، نام واقف آن حاجی میرزاقربانعلی (ت ۱۱) و در انتهای کتیبه نیز نام کاتب به‌صورت «حرّره محمدهاشم الکتمیری[۲۴] الحسینی» نوشته شده است (ت ۹). اشعار در مصرع‌های جداگانه و هر دو مصراع زیر هم در ۸۰ ترنج سادهٔ متوسط (نسبت طول و عرض حدود ۱ به ۲/۵) با طول۵۰ سانتی‌متر و عرض۲۰ سانتی‌متر نگاشته شده است؛ مرکب خوشنویسی مشکی و قلم نگارش پهنای ۱/۵ سانتی‌متر است. ترنج‌ها، زمینهٔ پارچه و نوار حاشیهٔ ۵سانتی‌متری اطراف کتیبه قلمکار و به‌رنگ مشکی است. در فضای مابین هر چهار ترنج، عبارت «یا امام مظلوم» نقش بسته (ت ۱۳) و فضای بالا و پایین هر دو ترنج نقش گل است (ت ۱۴). نام استاد قلمکار با قلم ثلث به‌صورت «عمل اقل السادات محمد الحسینی» آمده است. در کنار نام قلمکار، دو بار در سمت چپ و راست تاریخ کتیبه ۱۲۵۲ق ذکر شده است (ت ۱۲). دربارهٔ کیستی واقف اطلاعاتی در دست نیست، اما کاتب از سادات مرعشی و از نوادگان میر بزرگ (گت‌میر) است.[۲۵] بخشی از سادات مرعشی مازندران از زمان صفویه در دماوند و آبسرد ساکن بودند که از مشهورترین آنها سید گتمیر است که بنای آرامگاه او در آبسرد واقع شده است.[۲۶] نوهٔ کاتبْ سرتیپ هاشم خان انتخاب الدوله نیز از نظامیان دورهٔ قاجار بود.[۲۷] از استاد قلمکار اطلاعی در دست نیست، اما با توجه به سید بودن او احتمال آنکه وی نیز از سادات مرعشی دماوند باشد تقویت می‌شود. سند مکتوبی دربارهٔ چگونگی نوشته شدن کتیبه در دست نیست و تنها اطلاعی که به‌دست نگارنده رسیده روایتی شفاهی، حاصل از مصاحبه با دو تن از نوادگان کاتب، است.[۲۸] ظاهراً برای نگارش کتیبه میزی مناسب نوشتن در کنار رودخانه در نزدیکی حسینه ساخته بودند و کاتب که خود از خانوادهٔ حاکم و خوانین دماوند بوده هر روز چند بیت از آن را می‌نوشته است. کتیبه در چند جا براثر رطوبت دچار تغییر و پخش‌شدگی رنگ شده است، اما در مجموع سالم است و هم اکنون به‌صورت قاب‌شده با شیشه‌ای به‌عنوان محافظ در صحن اصلی حسنیه نصب شده است.

کیفیت خط و حسن تشکیل

کیفیت خط در بخش‌های مختلف کتیبه متفاوت است؛ برخی از واژگان حد مطلوب حسن تشکیل را دارا هستند (ت ۱۷) و برخی به‌دلیل مشکلات ترکیب و کمبود فضا در ترنج ضعیف نوشته شده‌اند. قواعد ترکیب و حسن همجواری نیز بسته به مصرع متفاوت است. مد «آ» و سرکش «ک» در برخی موارد نگاشته نشده‌اند، و در

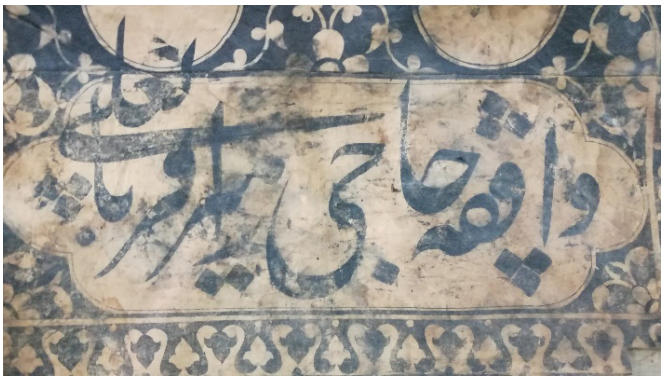

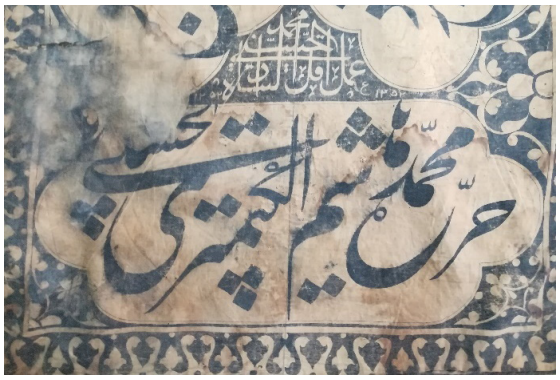

ت ۱۱. نام واقف کتیبه. مأخذ: نگارنده.
ت ۱۲. نام استاد قلمکار و خوشنویس کتیبه. مأخذ: نگارنده.

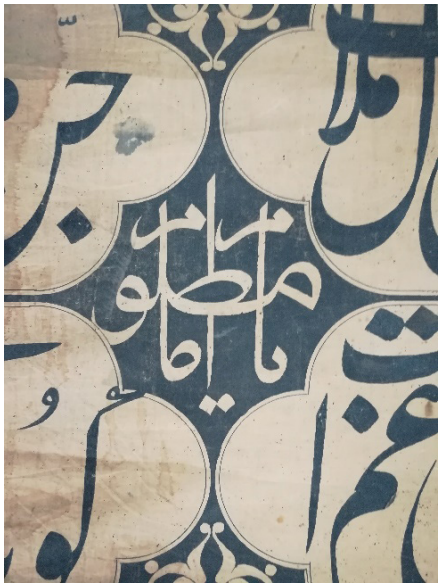

ت ۱۳. عبارت «یا امام مظلوم» در میان ترنج‌ها. مأخذ: نگارنده. ت ۱۴. نقش گل و حاشیهٔ کتیبه. مأخذ: نگارنده

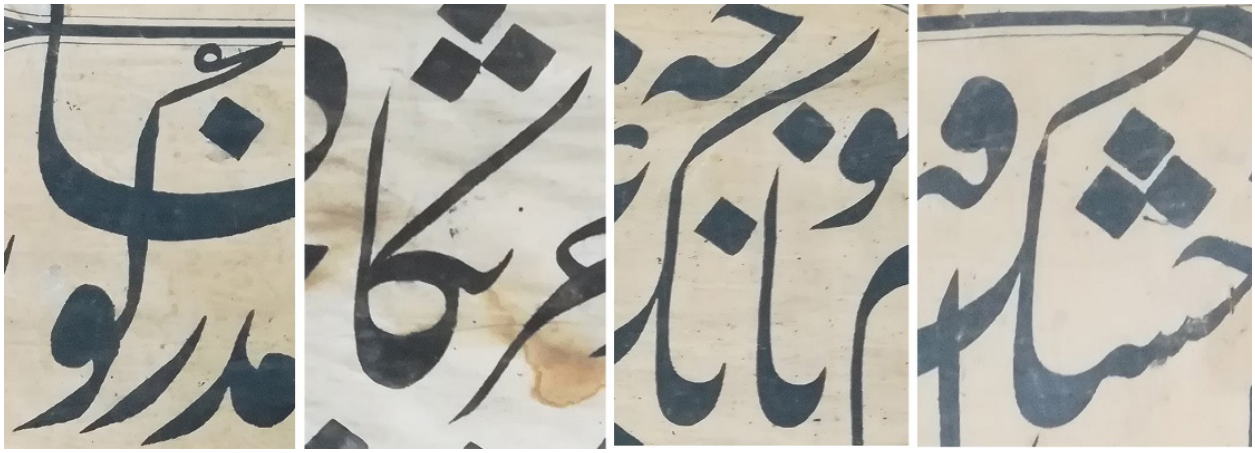

ت ۱۵. اشکال مختلف سرکش «ک» در کتیبهٔ محتشم به‌خط گتمیری.

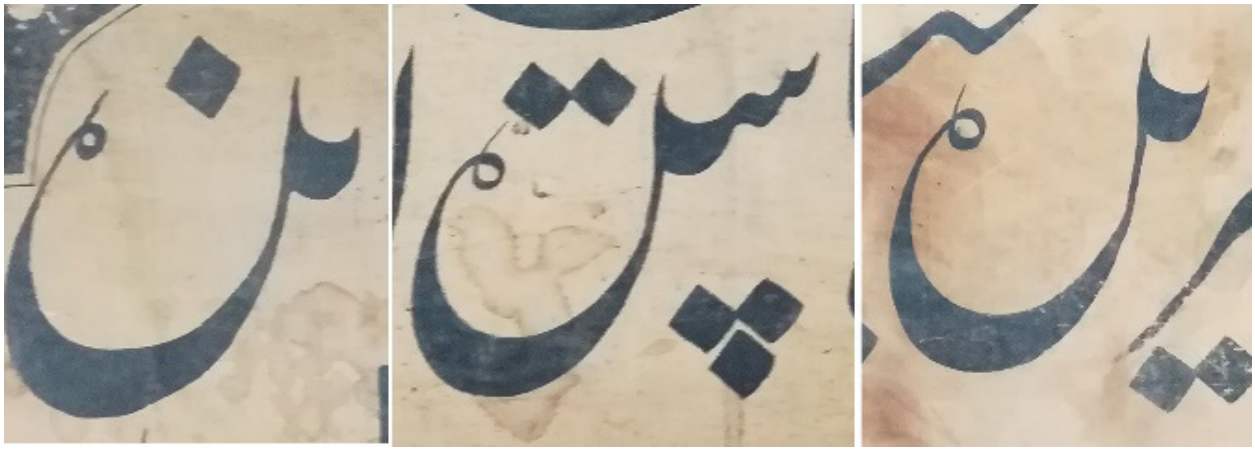

ت ۱۶. جزئیاتی از کتیبهٔ محتشم به‌خط گتمیری. مأخذ: نگارنده.

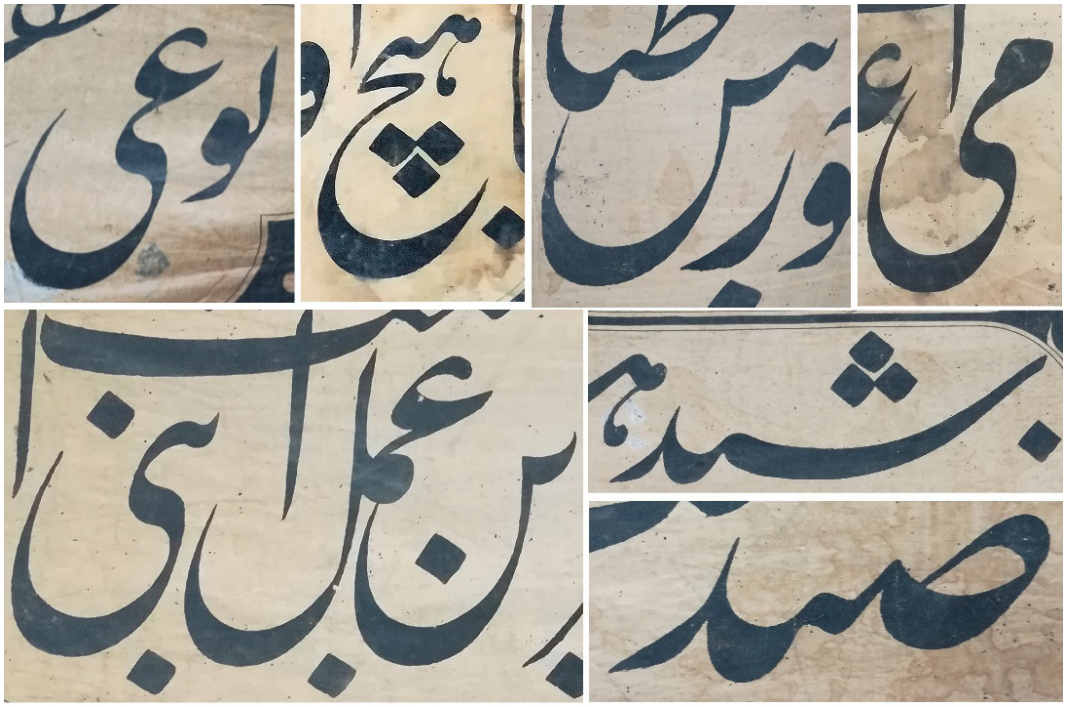

ت ۱۷. جزئیاتی از کتیبهٔ محتشم به‌خط گنمیری. مأخذ: نگارنده.

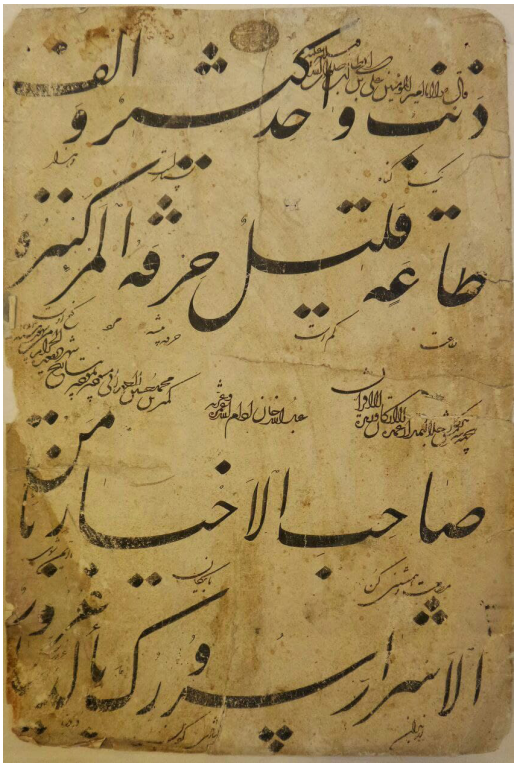

ت ۱۸. قطعه‌ای از محمدحسین تهرانی (کاتب السلطان). محفوظ در کتابخانهٔ ملی. مأخذ: قلیچ‌خانی.

موارد دیگر نیز سرکش «ک» بسته به فضای موجود دارای طول متفاوتی است (ت ۱۵). کشیده‌ها در حروفی چون «س» و کشیده‌های میان کلمات طول تقریباً یکسان و به‌اندازه‌ای دارند اما در حروفی چون «ب» در اکثر مصرع‌ها کوتاه‌تر از حالت عادی نوشته شده‌اند. حتی «ب» کوتاه نیز در مواردی به‌جای طول ۵ نقطه ۳ نقطه نوشته شده است (ت ۲۱). دوایر در حروفی چون «ن» و دوایر معکوس در حروفی مانند «ح» تا حد زیادی یکسان و در اندازهٔ معمول خود نوشته شده‌اند (ت ۲۵ و ۲۶).

استخوان‌بندی و شیوهٔ خوشنویسی

شیوهٔ خوشنویسی دورهٔ قاجار را به سه دوره تقسیم کرده‌اند: دورهٔ اول خوشنویسان سال‌های آغازین دورهٔ قاجار است که خوشنویسان آن وفادار به سبک میرعماد و شاگردان او بودند. دورهٔ دوم زمان ظهور خوشنویسانی چون میرزاغلامرضا اصفهانی (د. ۱۳۰۷ق) و میرحسین (د. ۱۳۰۰ق) است و پس از محمدرضا کلهر و رواج چاپ سنگی دورهٔ سوم آن شروع می‌شود. با توجه به تاریخ کتیبه، شیوهٔ خوشنویسی این اثر به دورهٔ اول نستعلیق قاجار تعلق دارد. از ویژگی‌های سبک‌شناسی این دوره می‌توان به انسجام و پختگی در کتابت اشاره کرد، در حالی که خوشنویسان این دوره توانایی کمتری در نوشتن دانگ‌های بزرگ داشتند. محمدحسین تهرانی (کاتب السلطان) و میرزا عباس

ت ۱۹. قطعه نستعلیق ممتاز با قلم کتیبه مربوط به قرن سیزدهم هجری. مأخذ: http//:malekmuseum.org/artifact1393.03/.00074

ت ۲۰. بخشی از کتیبهٔ محتشم به‌خط گتمیری. مأخذ: نگارنده.

ت ۲۱، ۲۲ و ۲۳. بخشی از کتیبهٔ محتشم به‌خط گتمیری. مأخذ: نگارنده.

نوری از خوشنویسان بزرگ این دوره‌اند.[۲۹] از نظر سبک و شیوهٔ نوشتن، خط کتیبه مشابه قطعهٔ نستعلیق موزهٔ ملک است که پیش از این معرفی شد (ت ۱۹) و همچنین قرابتی با آثار کاتب السلطان در دانگ درشت دارد (ت ۱۸). اما جسارتی که کاتب به خرج داده و باعث تمایز شیوهٔ ترکیب این اثر از اکثر قریب به‌اتفاق کتیبه‌های نستعلیق در دورهٔ صفویه و قاجار شده است، عبور کلمات از روی یکدیگر است (ت ۲۱ تا ۲۴ و ۲۶)، اتفاقی که در سیاه‌مشق امری کاملاً عادی و رایج است، اما در کتیبه‌نویسی آن دوران تقریباً دیده نشده است. به احتمال زیاد، بزرگ بودن دانگ قلم نسبت به ابعاد ترنج و کمبود فضا به ایجاد چنین ترکیبی انجامیده است. این

کمبود فضا در مواردی به خروج کلمات از ترنج و ورود به ترنج دیگر نیز منجر شده است. از ویژگی‌های دیگر شیوهٔ خط کتیبه می‌توان به نگارش کلماتی اشاره کرد که پایان آنها به «ره» و «ده» ختم شده است و برای رعایت سواد و بیاض به‌شکل متصل و دایره‌وار اجرا شده است (ت ۱۶). در مجموع، کاتب سعی کرده است با توجه به محدودیت‌های موجود سواد و بیاض را در ترکیب‌ها رعایت کرده و خطی خوش ارائه کند.

نتیجه

کتیبهٔ گتمیری در سبک نخست خوشنویسی دورهٔ قاجار قرار می‌گیرد که پیش از رواج شیوهٔ خوشنویسانی چون میرزاغلامرضا اصفهانی است و در این دوره تأثیرات شیوهٔ میرعماد و پیروانش مشهودتر است. اگرچه این کتیبه از عیاری هم‌وزن آثار خوشنویسان ممتاز این دوره برخوردار نیست، اما، در بسیاری از از مفردات، حسن تشکیل را به‌خوبی رعایت کرده است. همچنین نوآوری

ت ۲۴، ۲۵ و ۲۶. بخشی از کتیبهٔ محتشم به‌خط گتمیری. مأخذ: نگارنده.

ت ۲۷ و ۲۸. حسینیهٔ فرامه دماوند، محل نگهداری کتیبه. مأخذ: نگارنده.

در تداخل کلمات، باوجود آنکه سواد و بیاض را در برخی جاها به هم ریخته است، در مواردی نیز باعث زیبایی و استفاده مناسب از فضا شده است. خوشنویس کتیبه، محمدهاشم گتمیری، با اصول خوشنویسی آن زمان به‌خوبی آشنا بوده و استفاده از شکل‌های مختلف کلمات و برخی از مفردات عالی گواه این مدعاست. با توجه به آنکه دماوند جزو مراکز سنتی خوشنویسی (مشخصاً خط نستعلیق) نبوده است، این کتیبه نشانگر آشنایی خوشنویسان این منطقه با اصول خوشنویسی نستعلیق در آن زمان است. نگارش ترکیب‌بند محتشم به‌صورت کتیبه روی پارچه نیز از ویژگی‌هایی است که این اثر را از بسیاری از نمونه‌های پیش و همزمان خود متمایز می‌کند و از جمله نمونه‌های تاریخی نگارش این شعر به‌شمار می‌رود. به احتمال زیاد، دشواری‌های نوشتن و نبود فضای کافی باعث شده خوشنویس به ابداعی در همنشینی کلمات دست بزند و برخی از حروف را از روی یکدیگر بگذراند. فضای نه‌چندان بزرگ ساختمان تکیه یا بالا بودن هزینه‌های ساخت و نبود استادکار و همچنین قابلیت حمل و نقل و نصب در مکان‌های مختلف ممکن است از دلایل انتخاب پارچه به‌جای کاشی‌کاری برای کتیبه‌ای با این ابعاد باشد. مجموعهٔ این عوامل اثری حائز اهمیت را به وجود آورده‌اند که از نمونه‌های تاریخی گونه خود به‌شمار می‌رود و اکثر کتیبه‌ها با چنین مشخصاتی تاریخی پس از این اثر دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه تهران.

۲. خسروی بیژائم، «پیدایش کتیبه‌نگاری نستعلیق در تزئینات معماری دورهٔ تیموری ایران و سیر تحول آن در دورهٔ صفوی».

۳. به جامه‌ای گویند که در روز جنگ زیر زره پوشند و آیاتی مثل «انا فتحنا» و غیر آن بر آن نوشته یا بافته باشند. برخی اوقات نیز با نوشتن آیة الکرسی و ادعیهٔ مرتبط با دفع بلا و فتح و پیروزی برای شفا یافتن بیماران به آنها می‌پوشاندند. در پاره‌ای دیگر از این پارچه‌ها نوشتن شعر «نادعلیاً مظهر العجائب» نیز دیده شده است.

۴. روح‌فر، «پیراهن نادعلی یا جامهٔ فتح»؛ عموماً، کتیبه‌های پارچه‌ای را به‌شکل دوخت، چاپ قلمکار یا خوشنویسی روی پارچه اجرا کرده‌اند. در روش اخیر، پارچه را با موادی مخصوص برای نوشتن آماده می‌کنند و خط را به‌صورت مستقیم بر آن می‌نوشتند که اکثر طومارها، عقدنامه‌ها و ادعیه به این صورت نوشته شده‌اند.

۵. سلیمانی و شیشه‌بری، «مطالعات باستان‌سنجی کتیبهٔ پارچه‌ای مقبرهٔ ملااسماعیل یزد».

۶. یونسی بیدگلی، وبلاگ مرمت آثار تاریخی.

۷. وبگاه مجموعه موزه‌های آستان قدس رضوی.

۸. حسینیه و مدرسهٔ نواب بیرجند در زمان شاه عباس صفوی و به فرمان امیرزاده خاتون از زنان خاندان خزیمه علم در تاریخ ۱۰۰۱ق ساخته شده‌است (هاشمی زرج‌آباد و دیگران، «بررسی نقش اقلیم بر نوع معماری و تزیینات حسینیهٔ نواب بیرجند»).

۹. رضوانفر، «معرفی کتیبهٔ ترجیع‌بند محتشم کاشانی در محراب مسجد شاه‌عباس در شهر دربند روسیه».

۱۰. این کتیبه در پاییز ۱۳۹۹ در فرهنگستان هنر به نمایش درآمد (با سپاس از دکتر مهدی مکی‌نژاد برای معرفی این اثر).

۱۱. فرحانی و خلیلیان، کتیبه‌های برج آرامگاهی امامزاده عبدالله و عبیدالله دماوند.

۱۲. اصل: خواسته.

۱۳. اصل: چه.

۱۴. اصل: ریزها.

۱۵. اصل: بر.

۱۶. اصل: گشاده.

۱۷. اصل: خواست.

۱۸. اصل: بیمدار.

۱۹. اصل: آنچنان.

۲۰. اصل: این.

۲۱. اصل: روی.

۲۲. حرم.

۲۳. بیاد.

۲۴. در اینجا به‌دلیل عربی نوشته شدن الکتمیری ذکر شده اما فارسی آن گتمیری است.

۲۵. مرعشی، خاندان مرعشی در ایران.

۲۶. پازوکی طرودی، آثار تاریخی دماوند، ۳۱۲.

۲۷. کسروی، تاریخ مشروطه، ۸۱۵.

۲۸. این دو تن سرهنگ هاشم مرعشی و نرجس کتمیری مرعشی بودند.

۲۹. هاشمی‌نژاد، سبک‌شناسی خوشنویسی قاجار، ۱۱۰.

کتاب‌نامه

«نقّالی بزرگ‌ترین پردهٔ تعزیه‌خوانی عاشورا در موزهٔ آستان قدس رضوی»، وبگاه مجموعه موزه‌های آستان قدس رضوی، ۶ آبان ۱۳۹۷:
https://museum.razavi.ir/fa/58028/

پازوکی طرودی، ناصر. آثار تاریخی دماوند. تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۱.

خسروی بیژائم، فرهاد. «پیدایش کتیبه‌نگاری نستعلیق در تزئینات معماری دوره تیموری ایران و سیر تحول آن در دورهٔ صفوی»، رسالهٔ دکتری رشتهٔ پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، ۱۳۹۵.

رضوانفر، مرتضی. «معرفی کتیبهٔ ترجیع‌بند محتشم کاشانی در محراب مسجد شاه‌عباس در شهر دربند روسیه»، وبگاه آسمانه:
http://asmaneh.com/feed/5a284f8e2699cc167a019a76

روح‌فر، زهره. «پیراهن نادعلی یا جامهٔ فتح»، کتاب ماه هنر، ش ۳۱-۳۲ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰): ۳۴-۳۶.

سلیمانی، پروین و طاهره شیشه‌بری. «مطالعات باستان‌سنجی کتیبه پارچه‌ای مقبره ملااسماعیل یزد»، دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، آبان‌ماه ۱۳۹۴.

فرحانی، علی و خلیلیان، گلاره. «کتیبه‌های برج آرامگاهی امامزاده عبدالله و عبیدالله دماوند»، اثر، د ۳۶، ش ۶۸ (۱۳۹۳-۴): ۳۹-۶۴.

فضائلی، حبیب الله. تعلیم خط. تهران: سروش، ۱۳۶۰.

قلیچ‌خانی، حمیدرضا. فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته. تهران: روزنه، ۱۳۷۳.

کسروی، احمد. تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳

محتشم، علی بن احمد. دیوان محتشم کاشانی. به‌تصحیح و مقدمهٔ اکبر بهداروند. تهران: نگاه، ۱۳۸۵.

مرعشی، سیدعلی‌اکبر. خاندان مرعشی در ایران. تهران: ترمه، ۱۳۷۶.

هاشمی زرج‌آباد، حسن و دیگران. «بررسی نقش اقلیم بر نوع معماری و تزیینات حسینیهٔ نواب بیرجند»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، د ۶، ش ۱۱ (پاییز و زمستان ۱۳۹۵): ۱۵۱-۱۶۲.

هاشمی‌نژاد، علیرضا. سبک‌شناسی خوشنویسی قاجار. تهران: متن، ۱۳۹۳.

یونسی بیدگلی، محسن. «زیارتنامه»، وبلاگ مرمت آثار تاریخی:
http://maremate88.blogfa.com/post/76